

تحلیل محتوای کلیشه های جنسیتی در کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

مأنده نام آور^۱، شیوا اله دادی احمدی^۲

^۱ کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان (آموزش و پرورش)

^۲ کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان (آموزش و پرورش)

چکیده

این نوشتار به بررسی کلیشه های جنسیتی موجود در کتاب های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی می پردازد. بررسی و تحلیل داده های این نوشتار به روش تحلیل محتوای کتاب های درسی انجام شده است. مولفه مورد نظر، کلیشه های جنسیتی می باشد. محتوای کلیشه متون درسی از حیث تمامی مقوله ها مورد بررسی قرار گرفته و درصد ناچیزی کلیشه جنسیتی در آن مشاهده می گردد. درصد بیشتر این کلیشه ها، کلیشه های مثبتی هستند که ما آن را برای سلامت جامعه لازم می دانیم. می دانیم که کلیشه سازی باعث می شود تفاوت های فردی نادیده انگاشته شوند. به طور مثال کلیشه های جنسیتی می گویند که زنان احساساتی اند و منفعل و مردان قدرت مدیریت بالایی دارند. این کلیشه سازی تفاوت میان زنان را در میزان این استعدادها در نظر نمی گیرد. این کلیشه ها همان کلیشه های منفی هستند که در کتب مطالعات اجتماعی چهار پایه ابتدایی به ندرت دیده می شود. نتیجه نهایی پژوهش این است که آموزش و پرورش در ترویج کلیشه های منفی نقشی نداشته و به طور کلی بازتاب باور های ذهنی و کلیشه ای مغایر با سنت اسلامی و الهی در محتوای این کتاب ها گنجانیده نشده است.

واژه های کلیدی: کلیشه های مثبت، کلیشه های منفی، جنسیت، مطالعات اجتماعی، مدرسه

مقدمه

بیان مساله

پیرو تغییرات صنعتی که در نیمه دوم قرن بیستم در جوامع صنعتی به وجود آمده، ضرورت سواد و آموزش نظام مند، رفته رفته در بیشتر کشورهای جهان پذیرفته شده است؛ چنان که اعضای جدید جامعه برای زندگی در جامعه صنعتی باید آموزش ها و تخصص های لازم را فراگیرند. از طریق فرایند آموزش در مدارس، فرهنگ و انتظارات درباره شایستگی های مورد نیاز، به وسیله فرایند جامعه پذیری به افراد منتقل می گردد. نقش پذیری جنسیتی یکی از پیامد های آشکار فرایند جامعه پذیری است. جامعه پذیری جنسیتی عمدتاً در دوران کودکی و سنین مدرسه شکل می گیرد و در ذهن و رفتارهای اجتماعی، درونی و متبلور می شود. بر همین اساس مدارس و کتاب های درسی به عنوان اولین و موثرترین مرجع رسمی آموزشی و انتقال انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی، نقش مهمی در تکوین و توسعه شخصیت کودکان ایفا می کنند.

زنانه یا مردانه بودن رفتارها در قالبی با عنوان کلیشه های جنسیتی جای می گیرد که عموماً تعاریفی فرهنگی دارد و بیش از آن که محصول امور زیستی باشد، مقوله ای اجتماعی و فرهنگی و حاصل تعاملات کارگزاران اجتماعی است. کلیشه های جنسیتی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و نسل ها در فرایند جامعه پذیری، نقش های جنسیتی خود را درونی می سازند. کتابها می توانند از طریق پیام های ارائه شده در متون و تصاویر، ذهن و افکار کودکان را تحت تأثیر قرار دهند و منجر به فراگیری نقش های جنسیتی بر طبق الگوهای قالبی و کلیشه های شوند. این کلیشه های جنسیتی از یک سو، مردان را دارای ویژگی هایی قلمداد می کند که زنان فاقد آن هستند و از سوی دیگر، زنان را دارای صفاتی می داند که در مردان وجود ندارد. بر طبق کلیشه ها مردان منطقی، باهوش، فعال، خطر پذیر، دارای اعتماد به نفس و مستقل ترسیم می شوند و در مقابل، زنان طیف احساساتی، غیر منطقی، منفعل و نیازمند کمک توصیف می شوند. هر چند ویژگی هایی که عموماً به مردان نسبت داده می شود، دارای بار ارزشی مثبتی است؛ ولیکن هر دو گروه دختران و پسران را باید قربانیان کلیشه های جنسیتی دانست.

به عبارتی، کلیشه های جنسیتی مانع از بروز توانمندی ها و خلاقیت های دو جنس می شود و به طور خاص در رابطه با دختران موجب محرومیت آنها از استقلال و مانع پیشرفت آنها به سبب جنسیتشان می شود و این گونه کلیه منشورهای ملی و بین المللی را نفی می کند. از سوی دیگر، توانایی های خلاق دختران و زنان که اسیر عادات کلیشه ای شده اند، از شکوفائی باز می مانند. جامعه نیز با محروم شدن از این توانایی ها در حقیقت سرمایه انسانی سرشاری را از دست می دهند (میشل، ۱۳۷۶).

همان طور که مردان در این کره خاکی از موهبت های الهی بهره مند می گردند زنان هم به همین نسبت حق برخورداری از آن ها را دارند. مردان و زنان با هم و کنار هم در عرصه های مختلف زندگی نقش مهمی ایفا می کنند. به گونه ای که فقدان هر کدام لطمه ای به جامعه بشری محسوب می شود. در جامعه بشری و حتی در کشور ما زن و مرد گاهی بدون دلیل منطقی خطاب کلیشه ها و باورهای ذهنی اشتباهی قرار می گیرند. این کلیشه ها هر دو را تحت تأثیر خود قرار می دهد. حال این که در بررسی های انجام شده مضرات این کلیشه ها برای زنان به نسبت مردان بیش تر است. کلیشه هایی که به دو جنس نسبت داده می شود عاملی برای تبعیض جنسیتی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی می شود. این باورها از همان ابتدای زندگی انسان او را محاصره می کند و به طور مثال وقتی برای سیسمونی خریدن کودکمان اقدام می کنیم بنا به نوع جنس کودک رنگ های متفاوتی انتخاب می کنیم (صورتی برای دختران و آبی برای پسران) چند سالی که از تولد فرزندمان می گذرد به پسرها اجازه بازی کردن در کوچه رامی دهیم اما دخترمان را در منزل نگه می داریم. مگر همان خطرناک پسران ما را تهدید نمی کند؟ چرا پدران و مردان خانواده ما رانندگی خانم ها را به تمسخر می گیرند؟ چرا وقتی یک خانم پشت فرمان اتوبوس نشسته، همه با تعجب به او می نگرند؟

اهمیت موضوع

بسیاری از این کلیشه‌ها در اطراف ما دیده می‌شود که باعث آزار و اذیت بسیاری از انسان‌ها می‌شود. از آن جایی که زن به عنوان عضو اساسی در خانواده و جامعه حضور دارد، بایستی به حقوق او احترام گذاشت. زن ابتدا دختر یک خانواده است که بعد از ازدواج تبدیل به مادر و همسر یک خانواده دیگر می‌شود و اما هم‌چنان دختر خانواده خود نیز می‌ماند. او در کنار این وظایف، وظایف ملی و عمومی گسترده‌ای نیز به عهده دارد. زن‌ها در همه عرصه‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند و پا به پای مردان به جایگاهی دست یافته‌اند که بسیار قابل توجه می‌باشد.

بایستی این کلیشه‌های غلط را که دو جنس در جامعه پرورنده زیر سوال برد و تا حد ممکن در رفع آن کوشید. نباید بگذاریم این کلیشه‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. این باورهای عموماً اشتباه را باید از متون و تصاویر کتاب‌ها و ذهن کودکان پاک کنیم. از این‌روست که ضرورت بررسی و مطالعه کتاب‌های آموزشی را می‌توان نشأت گرفته از نقش و اهمیت وافر این کتاب‌ها در فرایند جامعه‌پذیری کودکان در نظر گرفت. چرا که شناخت و آگاهی کودکان از انتظارات اجتماعی از سنین پایین آغاز می‌شود و آنها فرا می‌گیرند جامعه به زودی همین انتظارات و توقعات را از آنها خواهد داشت.

پیش فرض‌های مردسالارانه و تفسیر ناصواب مسلمانان از متون دینی سبب شده است مرد را برتر و زن را جنس دوم تلقی نمایند؛ بنابراین باید با قرائت جدید از دین موقعیت مستقل زن را اثبات کرد و نشان داد که اسلام دین برابری و تساوی زن و مرد است. رفع کلیشه‌های موجود یک وظیفه ملی است که همه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. ما نیز از این مقوله خارج نیستیم. هر یک از دو جنس زن و مرد با کارکردهای مشترک و متمایز، تنها برای یک هدف خلق شده‌اند و آن کمال و قرب الی‌الله است. پس باید در صدد حل این مشکل چشمگیر باشیم تا جامعه‌ای با ارجحیت جنسیتی را کنار بگذاریم و جامعه‌ای یک پارچه بسازیم. در این نوشتار به دنبال بررسی این کلیشه‌های جنسیتی در کتب مطالعات دبستان هستیم و امید است بتوانیم بسیاری از این مشکلات را از متون کتاب‌های مطالعات دوره دبستان پاک کنیم.

پیشینه تاریخی

کلیشه جنسیت به رویکرد یا تعصب مرتبط با جنسیت درباره گرایش‌ها و خصوصیات گفته می‌شود که باید به عنوان نقش‌هایی توسط مردان یا زنان جامعه عمل پوشانده شود. (Ibid, ۲۰) مالجو. ۱۳۸۶، در فصلنامه شماره ۴ نشریه زنان و کودکان رهیاب بیان می‌کند که جامعه‌پذیری جنسیتی کنونی با کارکردهای آشکار و پنهان خود نابرابری را هرچه بیشتر نهادینه می‌کند و این معانی برای توسعه‌ی همه جا شده و به ویژه توسعه انسانی است. گلابی و ساعی. ۱۳۹۴، در سومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، به بررسی جامعه‌شناختی نقش آموزشی و پرورش و ترویج کلیشه‌های جنسیتی پرداخته‌اند. آموزش و پرورش دارای نقش مثبت و منفی در ترویج کلیشه‌های جنسیتی در بین دانش‌آموزان می‌باشد. یوسفی. ۱۳۹۲، در مقاله جنسی، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی بیان می‌کند که کودکان از ابتدای زندگی با انواع کلیشه‌های جنسیتی بمباران می‌شوند، او تنها ابراز می‌کند که کلیشه‌ها به شدت با زندگی اجتماعی زنان و مردان معین شده است و البته مردان بر ضد این کلیشه‌ها فعالیت می‌کنند، چرا که برایشان فرصت‌های بهتر اجتماعی را به همراه دارد. معینی فر. ۱۳۸۸، به بررسی صحنه حوادث روزنامه و بررسی ساخت کلیشه‌های جنسیتی در آن پرداخته است. او می‌گوید بارزترین کلیشه این مجموعه این است که مردان در نقش مهاجم و معترض به زنان و در مقابل زنان به صورت قربانی بازنمایی شده‌اند.

تاج مزینانی و حامد. ۱۳۹۳، در مقاله‌ای با عنوان بررسی «تحول فرهنگ جنسیتی» بیان می‌کند که افکار قالب‌درمورد زن و مرد در جامعه دامنه‌ی انتظارات را از دو جنس تعیین می‌کند. نیکوگفتار. ۱۳۹۳، در مقاله‌ی تفاوت‌های جنسیتی در سلامت اجتماعی، نقش فردگرایی - جمع‌گرایی را این‌گونه بیان می‌کند که پسران دارای سلامت روانی بالاتری از دختران شمرده شده

اند.عزازی. ۱۳۷۹، در مقاله ای تحت عنوان «تحلیل ساختاری جنسیت» به بررسی نابرابری های جنسیت در ایران در سه محدوده ی مدرسه، اشتغال و خانواده پرداخته است. زمانی. ۱۳۸۸، در پژوهش خود با عنوان تفاوت تبعیض جنسی و جنسیتی و تاثیر آن در تحولات اجتماعی توضیح می دهد که در فرایند جامعه پذیری کودکان نقش های جنسیتی خود را به طور سریع و موثر فرامی گیرند. فرزندان بر حسب دختر یا پسر بودن برای نقش پذیری اجتماعی خود در آینده تربیت می شوند.

سفیری و منصوریان. ۱۳۹۴، در پژوهش فردی ۳۸۴ نفری، رابطه بین کلیشه های جنسیتی و سلامت اجتماعی را مشخص کردند. تقویت کلیشه های مثبت، عمدتاً مردان حس مفید بودن را در جامعه افزایش می دهد و تقویت کلیشه های جنسیتی منفی در زنان که سطح تحصیلات پایینی دارند به کاهش خصوصیات مثبت می انجامد. مسمن. ۲۰۱۳، در مقاله ی کلیشه های جنسیتی در زمینه ی خانواده مادرها، پدرها، خواهر- برادرها بیان می کند که مادرها کلیشه های جنسیتی پنهان قوی و پدرها کلیشه های آشکار قوی دارند. والدین و فرزندان عوامل تاثیرگذار در کلیشه های جنسیتی می باشند. شعبی. ۱۳۹۴، در کتاب تفاوت های زنان و مردان به مطالعه ی تفاوت های زنان و مردان از جنبه های مختلف پرداخته، عوامل موثر در تقویت این تفاوت ها را بررسی کرده، کتاب ها و منابع درسی را مورد تحلیل قرار داده و در پایان عوامل پایداری این باورهای قالبی (کلیشه های جنسیتی) را ذکر نموده است. کلیه تفاوت های فردی و کلیه تفاوت های زنان و مردان بر اثر کنش متقابل محیط و تعاریف بوجود می آید.

باستانی. ۱۳۸۷، در کتاب جنسیت، فرهنگ، ارزش ها و نگرش ها عنوان می کند کلیشه ها در هر نوعی به جایگاه و موقعیت زنان در اجتماع لطمه می زند. میشل. ۱۳۷۶، به پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه، جامعه از کلیشه های جنسیتی در کتاب پیکار با تبعیض جنسی خود پرداخته و به این نتیجه می رسد که زدودن تبعیض جنسیتی از کتاب های درسی و کتاب های کودکان از ذهن و رفتار کودکان کافی نیست. شعبی. ۱۳۹۲، در کتاب تقلید و یادگیری اجتماعی بیان می دارد که والدین همجنس برای فرزندان نشان الگو می باشند و نیز پدرها بیشتر از مادرها به نقش آموزی جنسیتی فرزندان خود به ویژه پسرها توجه دارند.

مانس و همکارانش. ۱۳۹۰، در کتابی تحت عنوان رشد و شخصیت کودک می گوید که کودکان رفتار نقش جنسیتی پسران و دختران را از طریق یادگیری مشاهده ای می آموزند. آنها انتظارات جامعه از نقش و جنس خود را جذب می کنند و بعد از ترکیب اطلاعات مفاهیم مناسب با جنسیت خود می سازد. گیدنیز. ۱۳۸۵، در کتاب جامعه شناسی خود که توسط صبوری ترجمه شده است: از ابتدا جنس زن به عنوان جنس دوم و ضعیف مورد توجه قرار گرفته است به تفاوت در رفتار زنان و مردان اساساً از طریق یادگیری اجتماعی هویت زن و مرد پدید می آید. فروتن. ۱۳۸۹، در کتاب جامعه پذیری جنسیتی در کتاب های درسی مدارس ایران می گوید که انسان ها از دوران کودکی یاد می گیرند که جامعه انتظارات و استانداردهای متفاوتی از دختر و پسر دارد. مامسن. ۱۳۸۷، در کتاب جنسیت و توسعه که توسط زهره فنی ترجمه شده می گوید که تفاوت مخصوص بین کشورها وجود دارد و این اولین نشانه ی نابرابری جنسیتی است.

اکنون این نوشتار به بررسی این موضوع می پردازد.

روش تحقیق

این نوشتار به شیوه تحلیل محتوا به بررسی و تحلیل اطلاعات کمی و کیفی استخراج شده از کتب درسی جامعه آماری پرداخته است. روش تحلیل محتوا به بررسی محتوای آشکار پیام های موجود در یک متن می پردازد. در این روش محتوای آشکار و پیام ها به طور نظام دار و کمی توصیف می شود. از این رو این روش را می توان روش تبدیل داده های کیفی به داده های کمی قلمداد کرد. (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵) جامعه آماری در این نوشتار شامل کتب مطالعات اجتماعی پایه های سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی است که صفحاتی از آن به طور تصادفی انتخاب و بررسی شده اند. معیار توصیف نیز عبارت است از بررسی کلیشه های جنسیتی در کتب اجتماعی

دوره ابتدایی و طبقه بندی های آن عبارت است از: جنس، هویت، پوشش، تقلید، یادگیری اجتماعی، قدرت، فرهنگ، برابری جنسی، کلیشه ای پنهان، کلیشه های آشکار، کلیشه های مثبت، کلیشه های منفی، قابلیت ها و ویژگی ها، نقش ها و وظایف. واحد ثبت در این نوشتار، صفحه می باشد که به صورت تصادفی انتخاب شده اند.

یافته ها

با توجه به جدول شماره ۱ می توان گفت در کتاب مطالعات سوم بیشترین درصد (۱۰۰ درصد) به مقوله های جنس، هویت، پوشش و نقش ها و وظایف (نقش ها و وظایف زن و مرد در این کتاب تعیین شده می باشد) اختصاص یافته است. یعنی این مقوله ها در تمامی دروس ما وجود داشته و نقش پررنگی ایفا می کنند. این درحالی است که کلیشه های منفی و آشکار (باورهای اشتباه و رایجی که واضح و آشکار در متن و تصویر کتاب دیده می شود) ۰ درصد را به خود اختصاص داده اند.

جدول شماره ۱. فروانی مولفه ها در کتاب مطالعات پایه سوم دبستان

مقوله ها	صفحه ۷	صفحه ۱۶	صفحه ۲۷	صفحه ۳۰	صفحه ۵۱	صفحه ۵۶	صفحه ۷۰	درصد
جنس	X	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
هویت	X	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
پوشش	X	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
تقلید			X	X	X			۴۲
یادگیری اجتماعی		X	X	X	X	X	X	۸۵
قدرت			X	X	X	X	X	۴۲
فرهنگ	X	X	X	X	X	X	X	۷۱
برابری جنسی	X						X	۴۲
کلیشه های پنهان			X	X	X	X		۴۲
کلیشه های آشکار								۰
کلیشه های مثبت		X	X	X	X	X	X	۲۴
کلیشه های منفی								۰
قابلیت ها و ویژگی ها	X	X	X	X	X	X	X	۸۵
نقش ها و وظایف	X	X	X	X	X	X	X	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۲ در کتاب مطالعات چهارم مقوله هایی چون جنس، هویت، پوشش، فرهنگ و قابلیت ها و ویژگی ها بیشترین درصد را (۱۰۰٪) به خود اختصاص داده اند. مقولات استخراج شده با اهداف کتاب مرتبط هستند. زیرا معیار توصیف ما کلیشه های جنسیتی می باشد و جامعه انتخابی ما نیز کتب مطالعات اجتماعی می باشد که به تبع این مقولات بیشتر در کتب اجتماعی به چشم میخورد تا در کتب دیگر. اما در رابطه با اینکه چقدر این مقولات با اهداف در تراز هستند باید درصدی را که مقولات به خود اختصاص داده اند بررسی کرد. در این کتاب به تمام مقولات مورد نظر ما تا حد قابل قبولی توجه شده است ولی برخلاف چیزی که انتظار میرفت به مقولاتی چون برابری جنسی، کلیشه های پنهان و کلیشه های منفی که ۱۶٪ را به خود اختصاص داده اند در مقایسه با کتاب مطالعات سوم کمتر پرداخته شده است.

جدول شماره ۲. فراوانی مولفه ها در کتاب مطالعات پایه چهارم دبستان

مقوله ها	صفحه ۳	صفحه ۲۱	صفحه ۳۵	صفحه ۵۲	صفحه ۸۷	صفحه ۹۱	درصد
جنس	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
هویت	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
پوشش	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
تقلید	X					X	۳۳
یادگیری اجتماعی	X	X	X			X	۶۶
قدرت			X	X			۳۳
فرهنگ	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
برابری جنسی		X					۱۶
کلیشه های پنهان			X				۱۶
کلیشه های آشکار	X	X	X				۵۰
کلیشه های مثبت	X		X				۳۳
کلیشه های منفی			X				۱۶
قابلیت ها و ویژگی ها	X	X	X	X	X	X	۱۰۰
نقش ها و وظایف	X	X	X	X	X	X	۸۳

همانطور که در جدول شماره ۳ می توان مشاهده کرد، در کتاب مطالعات پنجم هیچ تبعیض جنسی وجود ندارد. کلیشه های جنسیتی در این کتاب هیچ جایگاهی ندارند و درصد اختصاص یافته به آن ها صفر می باشد.

جدول شماره ۳. فروانی مولفه ها در کتاب مطالعات پایه پنجم دبستان

مقوله ها	صفحه ۲	صفحه ۲۵	صفحه ۴۳	صفحه ۵۰	صفحه ۸۰	صفحه ۹۸	درصد
جنس	×		×		×	×	۶۶
هویت	×		×	×	×	×	۸۳
پوشش	×		×		×		۵۰
تقلید			×		×		۳۳
یادگیری اجتماعی			×	×	×		۵۰
قدرت			×			×	۳۳
فرهنگ	×	×	×		×	×	۸۳
برابری جنسی	×				×		۳۳
کلیشه های پنهان							۰
کلیشه های آشکار							۰
کلیشه های مثبت							۰
کلیشه های منفی							۰
قابلیت ها و ویژگی ها	×		×			×	۵۰
نقش ها و وظایف	×		×		×	×	۶۶

در کتاب مطالعات ششم، مقوله هایی چون جنس، پوشش، قابلیت ها و ویژگی ها ۵۸٪ را به خود اختصاص داده اند. هویت با ۸۳٪، درصد بالایی را به خود اختصاص داده است که هویدای اهمیت این مقوله در این کتاب می باشد. مقولات استخراج شده با اهداف کتاب مرتبط هستند؛ زیرا معیار توصیف ما کلیشه های جنسیتی می باشد و جامعه انتخابی ما نیز کتب مطالعات می باشد که به تبع این مقولات بیشتر در کتاب های اجتماعی به چشم می خورد تا در کتب دیگر. اما در رابطه با اینکه چقدر آن مقولات با اهداف در تراز هستند باید درصدی را که مقولات به خود اختصاص داده اند را مشاهده کرد. درصد های به دست آمده نشان می دهد که تنها ۸ درصد کتاب مطالعات ششم حاوی کلیشه است. این در حالی است که این کلیشه از نوع مثبت می باشند.

جدول شماره ۴. فراوانی مولفه ها در کتاب مطالعات پایه ششم دبستان

مقوله ها	صفحه ۱۰	صفحه ۲۰	صفحه ۲۶	صفحه ۴۱	صفحه ۴۶	صفحه ۵۸	صفحه ۷۲	صفحه ۷۸	صفحه ۹۲	صفحه ۹۸	صفحه ۱۱۲	صفحه ۱۱۶	درصد
جنس	X	X	X				X	X		X		X	۵۸
هویت	X	X	X			X	X	X		X	X	X	۸۳
پوشش	X	X	X				X	X		X	X		۵۸
تقلید												X	۸
یادگیری اجتماعی		X					X						۳۳
قدرت							X					X	۱۶
فرهنگ		X					X	X		X	X	X	۵۰
برابری جنسی			X	X			X						۲۵
کلیشه های پنهان													۰
کلیشه های آشکار													۰
کلیشه های مثبت			X										۸
کلیشه های منفی													۰
قابلیت ها و ویژگی ها	X	X	X	X			X						۵۸
نقش ها و وظایف	X											X	۳۳

همانطور که در جدول شماره ۵ مشاهده می گردد از ارقام به دست آمده می توان فهمید، بیشترین درصد را مقوله هویت به خود اختصاص داده است. هویت در معنای لغوی؛ یعنی، حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت پاسخ به سؤال چه کسی بودن و

چگونه بودن است. در تعریف فلسفی هویت همان حقیقت جزئیه است «الحقیقه تسمی هویه، یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند»، و لذا، می توان گفت هویت تشخیص ماهیت در خارج است (کرجی، ۱۳۷۵).

این در حالی است که کلیشه های منفی کمترین درصد را از آن خود کرده است. کلیشه های جنسیتی باورهای اجتماعی مشترکی هستند که قابلیت ها و ویژگی های خاصی را به افراد نسبت می دهند. کلیشه ها معمولا دوقطبی و متضاد هستند و حد وسطی وجود ندارد. (مالجو، ۱۳۸۶) در کتاب های مطالعات چهار پایه ۱۲ درصد کلیشه های پنهان و ۹ درصد کلیشه های آشکار مشاهده می شود. به طور کلی کلیشه های جنسیتی ۲۱ درصد این چهار کتاب را به خود اختصاص داده است و میزان برابری جنسی ۲۹ درصد می باشد.

جدول شماره ۵. فراوانی مولفه ها در کتاب های مطالعات اجتماعی چهار پایه دوره ابتدایی

مقاله ها	مطالعات سوم	مطالعات چهارم	مطالعات پنجم	مطالعات ششم	درصد
جنس	۷	۶	۴	۷	۷۷
هویت	۷	۶	۵	۱۰	۹۰
پوشش	۷	۶	۳	۱۰	۸۳
تقلید	۳	۲	۲	۱	۲۵
یادگیری اجتماعی	۶	۴	۳	۴	۵۴
قدرت	۳	۲	۲	۲	۲۹
فرهنگ	۵	۶	۵	۶	۷۷
برابری جنسی	۳	۱	۲	۳	۲۹
کلیشه های پنهان	۳	۱	۰	۰	۱۲
کلیشه های آشکار	۰	۳	۰	۰	۹
کلیشه های مثبت	۳	۲	۰	۱	۱۹
کلیشه های منفی	۱	۱	۰	۰	۶
قابلیت ها و ویژگی ها	۶	۶	۳	۷	۷۰
نقش ها و وظایف	۷	۵	۴	۴	۶۴
درصد	۷۴	۶۴	۴۴	۲۹	

بحث و نتیجه گیری

مدرسه به عنوان یکی از کارگزاران اصلی جامعه پذیری دارای نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری جنسیتی کودکان و نوجوانان می باشد. (گلابی و ساعی، ۱۳۹۴) جنسیت در مراحل پیش از دبستان و ابتدایی، نقش اساسی دارد و اصل سازمانی در کلاس است. از زمان اعلام پسر یا دختر بودن کودک، منتظریم پسر و دختر در موارد مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. (باستانی، ۱۳۸۷) کلیشه های جنسیتی نقش های خاصی را برای مردان و زنان تعریف می کند و اگر انسانی خارج از این تعاریف رفتار کند "غیرطبیعی" یا "نامناسب" محسوب می شود. در تصویری از این کتب دختری در حال آشپزی در آشپزخانه ایستاده است در حالی که در تصویر دیگری پسر بچه ای به همراه پدرش برای خرید به مغازه می رود. چرا دختر همراه پدرش به این مغازه نرفته است؟ در تصویری که برگزاری یک جشن را نشان می دهد، دخترها به امور داخلی خانه و کارهای تزئینی می پردازند و پسرها در خارج از خانه مشغول پرداختن به امور سخت تر می باشند. کلیشه های مثبت در این کتب به نسبت بیشتری از کلیشه های منفی به چشم می خورد. کلیشه جنسیتی «مردانگی»، مردان را به کارهای خطرآفرین وامی دارد و در نتیجه سلامت آنان را به خطر می اندازد. مردان براساس کلیشه ها باید مشاغل سخت را انتخاب کنند. در زندگی روزمره شاهدیم که مرگ و میر مردان در محیط کار بیشتر است. البته زنان در آشپزخانه ها هم دچار سانحه می شوند. کلیشه ها به شدت با زندگی اجتماعی زنان و مردان عجین شده اند و البته مردان کمتر بر ضد این کلیشه ها فعالیت می کنند، زیرا کلیشه ها برای مردان اقتدار، توانمندی و فرصت های بهتر اجتماعی را به همراه دارند. (یوسفی، ۱۳۹۲)

سرشت تبعیض آمیز مدرسه هنگامی آشکارتر می شود که نقش های زنانه و مردانه را در متن ها و تصاویر کتاب های درسی بررسی کنیم. (آندره میشل، ۱۹۸۹) پژوهش های اخیر نشان می دهد که در بسیاری از کتاب ها و منابع درسی در مقاطع تحصیلی دختران و زنان حضور کم رنگی دارند و با آن که زنان نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند کمتر از ۳۰ درصد مطالب و تصاویر به آنان مربوط می شود که این خود نیز می تواند عامل موثر در تصویر تفاوت جنسیت زن و مرد باشد. (شعیبی، ۱۳۹۲) با توجه به اینکه مشاغل و اموری متضاد با طبیعت لطیف زن و ظرافت او در جامعه وجود دارد این کلیشه سازی ها مثبت بوده و در این کتب زیاد به چشم نمی خورد.

در نیمی از محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پنجم دبستان، پوشش زن و مرد باهم متفاوت است اما این تفاوت در واقع مدافع حقوق زنان در جامعه است. اسلام که آخرین آیین الهی و بالطبع کامل ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی کرده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریط هایی که درباره پوشش زنان وجود داشته است اجتناب کرده و در تشریح قانون، حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است. در حجاب اسلامی، سهل انگاری های مضر و سخت گیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه به این معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. با توجه به گزینه قدرتمند جنسی، احکام و دستورهای اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این گزینه، تشریح فرموده است. در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، درباره وجوب حجاب و حد و کیفیت آن نازل شده است. در سوره نور، طی آیه مفصلی آمده است: «... و به مردان مؤمن بگو که چشم های خود را فرو پوشند و نیز دامان خویش را، که برای ایشان پاکیزه تر است. همانا خداوند به پوشیده نگاه دارند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پسرانشان، برادرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، زنان هم کیشان، کنیزانشان، مردان

سفیهی که تمایلی به زنان ندارند و یا کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاعند (غیرممیز) و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود و همگی به سوی خداوند بازگردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید»

در نظر گرفتن تفاوت یا عدم تفاوت جنسی در حقوق زنان، مهم‌ترین اختلاف مکتب اسلام با فمینیسم است. روح این اختلاف که در مبانی وجود شناختی و معرفت شناختی هر دو مکتب آشکار می‌شود، ریشه در این امر دارد که مصلحت از جانب چه کسی تعیین گردد. اسلام این امر خطیر را از خداوند متعال طلب می‌نماید، اما فمینیسم بشر را تعیین‌کننده مصلحت خویش می‌داند. از این رو، در اسلام، عدالت از یک واقعیت نفس‌الامری برخوردار است و بر این اساس تساوی حقوقی چون مخالف با مقتضیات وجودی زن است، خشونت علیه زنان محسوب می‌شود، اما در فمینیسم عدالت کاملاً امری نسبی است و بر حسب تجربه‌های مختلف بشری، معنای آن نیز متغیر می‌شود و به تبع آن، معنای خشونت علیه زنان نیز تغییر می‌کند.

وجود تفاوت‌های جنسی میان زن و مرد که منجر به تفاوت‌های حقوقی بین آن دو می‌شود، از جمله مسائلی است که در موضوع خشونت علیه زنان، سئوالات و شبهات فراوانی را در پی داشته است. درباره تفاوت‌های جنسی دو دیدگاه کاملاً متعارض موجود است. برحسب یک نظرگاه، تفاوت حقوقی بیانگر ستم و تبعیض جنسی بر زنان می‌باشد، زیرا عدالت به معنای رعایت کامل تساوی میان زن و مرد می‌باشد و هر نوع تفاوت‌گری به مثابه زیر پا گذاشتن عدالت محسوب می‌گردد، اما برحسب رویکرد دیگر، یکسان‌نگری مطلق راه را برای بی‌عدالتی بر زنان می‌گشاید، زیرا نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی جنس زن و همانند ساختن آن با جنس مخالف، یک نوع ستم جنسی شمرده می‌شود؛ چون برطبق آن نه تنها «خود» زن گم می‌شود، بلکه خود وی در وجود مردان معنا پیدا می‌کند که این ظلمی مضاعف بر زن است، چون هم موجب فراموش شدن زن می‌گردد و هم زنان متوجه این «بیگانگی از خویشتن» نمی‌شوند و در جهل مرکب باقی می‌مانند.

بسط آنچه غرب «الهیات فمینیستی» در زمینه سنت اسلامی می‌خواند، امروز برای آزادسازی نه تنها زنان بلکه مردان مسلمان از قید ساختارهای اجتماعی و نظام‌های تفکر ناعادلانه اهمیت زیادی دارد. این نظام‌ها و ساختارها رابطه برابر بین زنان و مردان را ناممکن می‌سازند. برای زنان مسلمان فعال سیاسی بسیار مهم است که بدانند در دنیای معاصر نمی‌توان تنها از طریق عمل سیاسی قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را ریشه کن کرد، بلکه حذف این گونه قوانین با بهره‌گیری از مباحث مذهبی بهتر میسر است. به گفته پروفیسور فضل‌الرحمان، مشکل مسلمانان جدید در این واقعیت نهفته است که آنهایی که مدرنیته را فهمیده‌اند اسلام را نفهمیده‌اند، و کسانی که اسلام را فهمیده‌اند مدرنیته را نفهمیده‌اند.

مسلم است اسلام حقوق یکنواختی برای زن و مرد قائل نشده است، ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیحی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست، اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است. چه بسا علت بد فهمی از قرآن، فهم قرآن بر پایه حدیث نامعتبر باشد و بسیاری از احادیث درباره زنان جعلی و ساختگی باشد. بر اساس سخن معروف پیامبر (ص) که فرمودند من دو چیز گران بها در میان شما باقی می‌گذارم کتاب خدا و عترت یعنی اهل بیت من، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تفسیر قرآن بدون کلام پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت تفسیری ناقص خواهد بود و کلمات و سخنان پیامبر و جانشینان او مه‌مترین منابع تفسیر کتاب خداوند است. اگر ساختگی بودن حدیث یا احادیثی آشکار گردد بی‌تردید نباید ملاک فهم و تفسیر قرآن قرار گیرد؛ چنانکه بر احادیث مجعول و نامطمئن نیز نمی‌توان بنائی محکم ساخت.

نظریه، احکامی همچون حجاب، روابط مرد و زن، سن ازدواج و به طور کلی حقوق زنان، پاسخگوی نیازهای اجتماعی و نقشی که در عصر کنونی، زنان و مردان بر عهده گرفته‌اند، نیست؛ از این رو می‌بایست براساس فرهنگ جدید و عرف زمان، نوسازی شوند. نتیجه نهایی این که در دیدگاه اسلامی، زن و مرد علاوه بر مسئولیت‌ها و حقوق مشترک، به دلیل تفاوت‌های جسمی، روحی و ذهنی، دارای حقوق و وظایف متفاوتی نیز هستند که همگی آن‌ها مبتنی بر مصالح و حکمت‌هایی است که در متن آفرینش آن دو نهفته است و این تفاوت‌ها در حقوق و وظایف هرگز به معنی برتری یک جنس بر دیگری نیست. آموزش

و پرورش در ترویج کلیشه های منفی نقشی ندارد و به طور کلی بازتاب باور های ذهنی و کلیشه ای مغایر با سنت اسلامی و الهی در محتوای این کتاب ها گنجانیده نشده است.

منابع

۱. حسنی، معصومه، ۱۳۸۳، تفاوت های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، مجله حوراء، شماره ۸.
۲. دانی، محمد مهدی، ۱۳۹۳، حجاب از فینیقی ها تا رضاخان.
۳. رأفت، حسن، ۱۳۸۳، الهیات فمینیستی، مبارزه با تبعیض جنسیتی، مترجم: نفیسه غفورنیا، مجله حوراء، شماره ۹.
۴. ساروخانی، باقر، ۱۳۴۸، عقاید قالبی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳: ۱۱۷-۱۱۱.
۵. قرآن کریم.
۶. کنگره بین المللی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (س)، ۱۳۸۰، تاملی بر جایگاه زن، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
۷. گولومبوک، سوزان و رابین فی وش، ۱۳۸۴، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز آرای، تهران: ققنوس.
۸. میشل، آندره، ۱۳۷۶، پیکار با تبعیض جنسی، محمد جعفر پوپنده، تهران، نگاه.
۹. مالجو، محسن، ۱۳۸۶، جامعه پذیری و کلیشه های جنسیتی، نشریه زنان و کودکان رهیاب، فصلنامه شماره ۴.
۱۰. گلابی، فاطمه و ساعی، مرضیه، ۱۳۹۴، بررسی جامعه شناختی نقش آموزش و پرورش رسمی در ترویج کلیشه های جنسیتی، سومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی.
۱۱. یوسفی، مهدی، ۱۳۹۲، جنس، جنسیت و کلیشه های جنسیتی.
۱۲. معینی فر، حشمت السادات، ۱۳۸۸، بازنمایی کلیشه های جنسیتی در رسانه؛ مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال دوم، شماره ۳.
۱۳. تاج مزینانی، علی اکبر و حامد، مهدیه، ۱۳۹۳، بررسی تحول فرهنگ جنسیتی در کتب درسی، فصلنامه علوم اجتماعی.
۱۴. نیکوگفتار، منصوره، ۱۳۹۳، تفاوت های جنسیتی در سلامت اجتماعی: نقش فردگرایی - جمع گرایی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۵۳.
۱۵. اعزازی، شهلا، ۱۳۷۹، تحلیل ساختاری جنسیت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. زمانی، فریبا، ۱۳۸۸، تفاوت تبعیض جنسی و جنسیتی و تأثیر آن در تحولات اجتماعی.

۱۷. سفیری، خدیجه و منصوریان، فاطمه، ۱۳۹۴، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، دوره ۱۳، شماره ۲.
۱۸. شعیبی، فاطمه، ۱۳۹۴، تفاوت های زنان و مردان، تهران: کتاب ارشد.
۱۹. باستانی، سوسن، ۱۳۸۷، جنسیت، فرهنگ، ارزش ها و نگرش ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۰. میشل، آندره، ۱۳۷۶، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمد جعفر پوینده.
۲۱. شعیبی، فاطمه، ۱۳۹۲، تقلید و یادگیری اجتماعی، کتاب سبز.
۲۲. کیگان، جروم و همکاران، ۱۳۹۰، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، کتاب ماد.
۲۳. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۵، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۲۴. فروتن، یعقوب، ۱۳۸۹، جامعه پذیری جنسیتی در کتاب های درسی مدارس ایران، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۳.
۲۵. مامسن، جنت هنشل، ۱۳۸۷، جنسیت و توسعه، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۶. Joyce J. Endendijk & Marleen G. Groeneveld & Sheila R. van Berkel & Elizabeth T. Hallers-Haalboom & Judi Mesman & Marian J. Bakermans-Kranenburg. Gender Stereotypes in the Family Context: Mothers, Fathers, and Siblings Sex Roles DOI ۱۰.۱۰.۷/s۱۱۱۹۹-۹۱۳-۶۲۶۵-۴.